



اساس سوسیالیسم انسان است
چه در ظرفیت جمعی و چه فردی.
سوسیالیسم جنبش بازگرداندن
اختیار به انسان است.
منصور حکمت

۸۵

برای
یک دنیای بهتر

نشریه حزب اتحاد کمونیسم کارگری

Weekly publication of Worker - communism Unity Party

سر دبیر: سیاوش دانشور e.mail: siavash_d@yahoo.com چهارشنبه ها منتشر میشود ۲۸ ژانویه ۲۰۰۹ - ۹ بهمن ۱۳۸۷

اطلاعیه پایانی

پلنوم چهارم حزب اتحاد کمونیسم کارگری

صفحه ۱۰

بیانیه حزب اتحاد کمونیسم کارگری در باره نقش و جایگاه منصور حکمت

کمونیسم منصور حکمت پرچم حزب ماست!

صفحه ۴

روش برخورد سیاسی ما به

"حزب کمونیست کارگری" و "حزب کمونیست کارگری- حکمتیست"

صفحه ۶

قطعنامه در باره سندیکالیسم

صفحه ۶

قطعنامه در باره عملکرد "کمیته های کارگری"

و تاکید مجدد بر ایجاد تشکلهای توده ای کارگری

صفحه ۶

طبقه کارگر فرانسه در صف اول

صفحه ۱۲

سیاوش دانشور

کنفرانس بین المللی بمناسبت ۸ مارس ۲۰۰۹

چرا سکولاریسم اساسی است؟

نگاه بر جاده زندگی

صفحه ۱۳

پدرام نو اندیش

در صفحات دیگر: اخراج در پالایشگاه اصفهان، اخراج کارگران، تهدید پرستاران کرمانشاه به اعتصاب، کارگران رایان سایپا، کودکان کار و خیابان، ... و ستون آخر.



یادداشت سردبیر،

سیاوش دانشور

"نه" به

معرکه گیری "انتخابات"!

بار دیگر در ایران معرکه گیری اسلامی "انتخابات" شروع شده است. "انتخابات" در ایران مجرای تعیین پست و مقام برای بچاپ بچاپ است. مجرای تجدید تقسیم ثروت جامعه و غارت دسترنج طبقه کارگر میان جناح ها و باندهای متفرقه اسلامی است. در ایران حتی به شکل فرمال انتخاباتی صورت نمیگیرد. در ایران اطلاق عنوان انتخابات به این معرکه گیری اسلامی توهین به شعور و حقوق پایه ای مردم است. در جامعه ای که کارگران حق تشکل ندارند، احزاب سیاسی اپوزیسیون غیر قانونی اند، نه فقط کمونیستها بلکه عمده اپوزیسیون بورژوازی و حتی جریانهای طرفدارا حکومت اسلامی حق شرکت در انتخابات ندارند، سازمانهای زنان سرکوب شده اند، هر تلاش محدود و "غیر سیاسی" به وحشیانه ترین شکلی سرکوب میشود، غیر مسلمان بودن جرم است و زندانها مملو از مخالفین است، "انتخابات" مضحکه ای بیش نیست. و مضحکه تر کسانی اند که آتش بیار این نمایش کلاهبرداری سیاسی و سرکوب عریان شدند و اطلاعیه ها و فراخوانهای "شرکت در انتخابات" میدهند!

البته این رفتارها از جریانهای امثال جمهوریخواهان و اکثریت و حزب توده و کلا انشقاقات جنبش ملی اسلامی نه جدید است و نه مایه شگفتی ناظران سیاسی. اینها یک خانواده واحد سیاسی اند. بخشی شان در حکومت است که گویا ایرادش اینست که "افراطی و فاندمنتالیست" است. مابقی یا اپوزیسیون مجازند یا علیرغم میل شان از مدار حکومت به بیرون پرت شده اند. مسئله این نیست که چه کسانی در استودیوی بی بی سی و

صفحه ۲

آزادی، برابری، حکومت کارگری!

"نه" به

معرکه گیری "انتخابات" ...

آمستردام و سایتهای گوش به فرمان چه نقشی بعهده دارد و یا چه کسانی در داخل برنامه میدهد و یا کدام احزاب تحلیل های درونی حاکمیت را ادیت و به مردم تحویل میدهند. مسئله اینست که کل این کمپ باید تنوری را داغ کند که زیر نظر خود خامنه ای بساط نمایش بقای "نظام عزیز اسلامی" را رونق دهد. اگر سیدی، کسی که نخست وزیر "کابینه امام" بوده، قاتلینی که موج اول کشتارهای مخالفین سیاسی را هدایت کردند، و یا قاتلین دیگری که به دستور خمینی در زندانها سال ۶۷ کرور کرور کشتند، به قدرت برسند فرقی نمیکند. هدف اینست دور دیگری به رژیم جنایت تماما نامشروع سرمایه داران "مشروعیت" ببخشند. اینها مجریان متفرقه این دور باطل اند. معرکه گیران اسلامی اند. جناح چپ اینها کارش شعبده بازی است. مثلا یک آخوند مرتجع که روزی صد بار به سنگسار و تجاوز به کودک تحت عنوان ازدواج اسلامی و قوانین از این دست قسم میخورد را "میانه رو" و "اصلاح طلب" و "مدنی" و "لیبرال" معرفی میکنند. تلاش میکنند تصویری جعلی بدست دهند که مثلا انتخابات در ایران شبیه انتخابات در فرانسه و سوئد و آمریکا است با این تفاوت که اینجا کمی شورای نگهبان "سختگیری" میکند. سیاست و استراتژی و رایزنی هم این میشود که چه کسی را بیابند که بتواند از فیلتر شورای نگهبان عبور کند! یعنی نهادی که مردم و رای شان را به پشیزی هم حساب نمیکند دندان خیر روی کاندید مورد نظر بگذارد!

اما موضوع فقط به اینها ختم نمیشود. خود همین کاندیدهای نایاب و بسیار "مهم" زمانی تشریف فرما میشوند که "بالای نظام" در مورد آنها توافق کند و

دارند و محصول همان سیستم تحمیق مسجد و حوزه و حجره و شرفزدگی اند، فکر میکنند جامعه کر و کور است و دسته جمعی سخته مغزی کرده است! این تصور کودکانه که به زعامت خامنه ای و سپاه پاسداران و شورای نگهبان و ابواب جمعی دستگاه سرکوب حضرات وعده تشکیل سندیکا برای کارگران و معلمان بدهند، به زنان "اختیار" بدهند که حجاب سر کنند یا نکنند، به اقوام خودگردانی و وزیر بدهند، به غیر اقوام و شهروندان آزادی سیاسی و امکان گفتن و نوشتن و حرف زدن بدهند، به سرمایه داران اطمینان خاطر بدهند که خوب مدیریت میکنند و سرمایه گذاری و استثمار را رواج میدهند، به جامعه "عدالت" میدهند، از دیپلماسی تشنج زدائی میکنند، و خلاصه بهشتی می آورند که وعده اش را عیسی و موسی و محمد به برده هایشان داده اند، از جوک جوک تر است! اگر اینگونه است پس این نمایش برای چیست؟ مگر مردم ندیدند که احمدی نژاد تیر خلاص زن ادای فمینیستها را در می آورد و میگفت آخر کی حجاب مسئله ما بوده است؟ مگر ندیده اند که مبلغین کمپین انتخاباتی رفسنجانی و قالیباف را دخترانی تشکیل میدادند که بقول خودشان "مانکنی" ظاهر میشدند؟ مردم میپرسند چی شد و چرا بعد از دو سه هفته مجدداً ارازل و اوباش در خیابانها و زندگی خصوصی به جان زنان و جوانان افتادند؟ کارگران گرسنه را زیر باتوم و چماق و لگد گرفتند و به شکنجه گاه و زندانها بردند؟ مگر این حکومت یک روز و یکساعت بدون ترور و سرکوب و تحقیر و انکار انسان به حکم اسلام و قرآن و شیعه دوام آورده است؟ پس این نمایش دروغ و معرکه گیری برای چیست و چه اهدافی را دنبال میکند؟

حقیقت اینست که این ملی مذهبی ها که برنامه و شعار مرحله ای میدهند یک سر سوزن امیدوار نیستند حتی در ائتلاف فرضی

خاتمی - موسوی جانی پستی بگیرند. همینطور بعید میدانم تصورشان این باشد که این برنامه به بهانه انتخابات است اما خطاب به کسان دیگری و برای تعادل سیاسی دیگری است که شاید از حمایتی در بالا برخوردار شوند. دوران شیرین دولت موقت خمینی تکرار نخواهد شد. حتی طبقه سرمایه دار ایران، دستکم آن بخش شان که رژیم اسلامی را رژیم مناسب نظام شان میدانند، از این ناپرهیزی ها بعنوان وعده صرف هم خوششان نمی آید. وضع و خط سیاسی آن بخش که به کل ثروتهای جامعه چنگ انداخته اند دیگر روشن است. همینطور مردمی که گرسنه اند و طبقه کارگری که برای احقاق دستمزد دزدیده شده اش سرکوب میشود از این حضرات میپرسد مگر همه این سالها لال بودید که حرفی بزنید که حالا وقت انتخابات یادتان افتاده است؟ کارنامه تان در دفاع از حقوق کارگر کجاست؟ زنان و جوانان میپرسند هرچه میکشیم از دست خمینی و طالقانی شما و مرتجعین دیگر نظام منحط اسلامی سرمایه داران میکشیم. زنان موقعیت امروزشان را که امثال شما را به صرافت طرح صوری نفی حجاب اجباری انداخته است با جنگ در خیابان و زیر پا گذاشتن نص قوانین اسلامی بدست آورده اند و نه مجاهدتهای خمینی و طالقانی. اگر لشکر اوباش نتوانسته است هنوز به "بدحجابی" فائق آید و داد هر دایناسور اعظم نظام را درآورده است نه بدلیل مجاهدتهای این آخوندهای مکلا بلکه بدلیل جنبش مستقل اش بوده است. اگر جوانان عاشورا و تاسوعا و مقدسات اسلام را به این روز انداخته اند روی پای خودشان بوده و نه محصول پروسه "دگر اندیشی" آقایان. حتی سروش و گنجی که امروز از نظر خاتمی دارند ملحد میشوند دیروز قمه کش و در راس حزب الله و سپاه بودند و امروز یک اپسیلون نزدیک شدنشان به تمدن مدیون همین جنگ جامعه علیه اسلام و قوانین اسلامی است. اینها زیر فشار به اینجا رانده شده اند و نه بدلیل تغییر ریل فکری و غور و تفحص فلسفی.

"نه" به

معرکه گیری "انتخابات" ...

اخراج در پالایشگاه اصفهان

بنا به خبر دریافتی، ۳۱ نفر از کارگران قسمت روغن سازی پالایشگاه اصفهان به بهانه "ضرر کارخانه" توسط مدیریت اخراج شدند.

صرافی، مدیریت کارخانه اعلام ورشکستگی کرده و دست به اخراج کارگران زده است. کارگران میگویند روبرو کردن کارخانه با ورشکستگی یک طرح حساب شده و یک توطئه است. آنها میخواهند با اعلام ورشکستگی کارخانه را به "رانت خواران دولتی" یا همان تخم و ترکه های سران نظام به قیمت نازل بفروشند. کارگران در مقابل این تصمیم گیری یعنی اعلام ورشکستگی و اخراجها تماما غافلگیر شدند. بنا به اخباری که در میان کارگران میچرخد اخراج ها ادامه خواهد داشت. لازم به ذکر است که از ۳۱ کارگر اخراجی برخی کارگر پیمانی و برخی دارای بیمه و اصطلاحا تحت پوششی بودند.

در ایران خصوصی سازی به معنی واگذاری شرکتها و مراکز صنعتی از مالکیت دولت به سرمایه داران خصوصی نیست. آنچه در ایران جریان دارد با روندهای مشابه در کشورهای غربی در اساس متفاوت است. در ایران این روند بیشتر تقسیم اموال و ثروت عمومی بین دزدان حکومتی است. یک طایفه و خانواده بزرگ حکومتی از سران و وزیر و وزرا و نمایندگان مجلس تا آخوندها و فرزندانشان و نظامیها و پاسداران و مجموعه دستگاه سرکوب از طرق مختلف روی ثروت جامعه چنگ انداخته اند. از نفت و دیگر منابع سابقا دولتی تا صنایع بزرگ و کوچک و واردات و غیره در انحصار و در اختیار این مجموعه است. بنیادهای مختلف که نام اسلامی "مستضعف" و غیره را هم دارد در واقع تراست هائی است که روسای آن بیشتر وقت شان را در خارج کشور میگذرانند و دست راست خامنه ای هستند. میلیاردی مانند سردار محصولی تنها یک نمونه کوچک است. آنچه که در دعوای دولتی عنوان "مافیای اقتصادی" گرفته در واقع اعتراض بخشی به بخشی دیگر است که سهم چرب تری را به خود اختصاص داده است وگرنه این حکومت باندهای متفرقه مافیائی و گردنه بگیر است که دسته جمعی خون طبقه کارگر را در شیشه کرده اند.

کارگران نباید اسیر صورت ظاهر بحث های خصوصی و دولتی و "مافیای اقتصادی" و "رانت خواری" و غیره شوند. کل این حکومت بر این اساس بنا شده و حافظ منافع این نوکیسه ها است. در مقابل سیاست فقر و فلاکت و بیکاری باید سیاست رفاه همگانی، برخورداری از بیمه بیکاری و کنترل کارگری را گذاشت. طبقه کارگر راهی بجز بمیدان آوردن نیروی خود و پیشبرد سیاست مستقل طبقاتی خود در مقابل این مجموعه سرمایه دار و دزدان حرفه ای ندارد.

حزب اتحاد کمونیسم کارگری

۳ بهمن ۱۳۸۷ - ۲۲ ژانویه ۲۰۰۹

نیست بلکه اجبار است. همین منطق نیز قابل تائید نیست و اشتباه است. اما احزاب سیاسی ای که چنین اجباری را به "انتخابات" ارتقا میدهند عوامفریب سیاسی و طرفدار این حکومت اند. کسانی که این دو راهی را تنها راه جامعه میدانند رژیممی اند. پاسخ واقعی یک "نه" محکم به کل این معرکه گیری اسلامی است. هجوم برای بزیر کشیدن این نظام است. تلاش برای اعلام بی اعتباری مطلق آن با کلیه جناحها و جوارح آنست. اعلام موجودیت در ابعاد وسیع برای خواستههای مستقل است. کارگران و معلمان و پرستاران حقوق و رفاه میخواهند و همین امروز میخواهند. بچه های گرسنه شان وعده سرشان نمیشود. زنان و جوانان آزادی و برابری میخواهند.

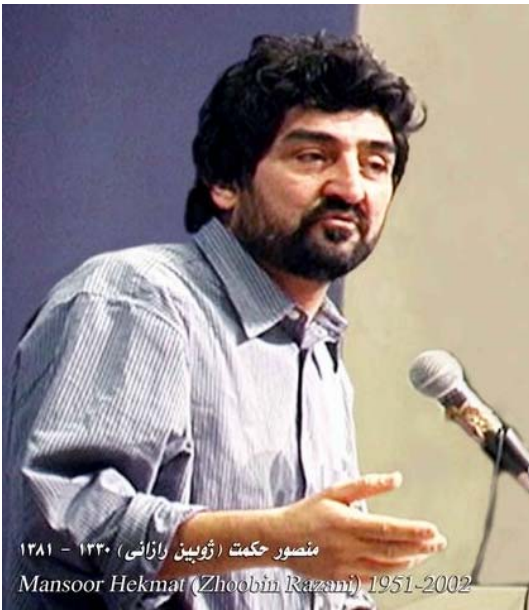
احقاق حقوقهای معوقه فورا و بدون قید و شرط انتخاب و شعار مرحله ای ماست! رفاه و تامین امنیت انتخاب و شعار مرحله ای ماست! جمع شدن ارازل و اوباش در خیابان و دانشگاه و کارخانه انتخاب و شعار مرحله ای ماست! کوتاه شدن دست مذهب از زندگی مردم انتخاب و شعار مرحله ای ماست! آزادی بیان و ابراز وجود سیاسی و آزادی احزاب سیاسی و حق برپائی تشکلهای مستقل کارگری و اعتصاب و اعتراض انتخاب و شعار مرحله ای ماست! آزادی فوری زندانیان سیاسی انتخاب و شعار مرحله ای ماست! برچیدن چوبه های دار و لغو فوری احکام اعدام و سنگسار و الغا مجازات اعدام و هر نوع آدمکشی انتخاب و شعار مرحله ای ماست! اگر این نظام این خواستههای فوری را نمیپذیرد بیخود میکند مردم را دعوت به انتخابات میکند! اگر این نظام نمیتواند ابتدائی ترین خواستههای جامعه را قبول کند باید بساطش را جمع کند. و همه میدانند که رژیم اسلامی از منافعتش پس نمیشیند، به حق کسی گردن نمیگذارد، وعده هایشان پوچ تر از پوچ است، و کسانی که جامعه را در دو راهی "بد و بدتر" میگذارند عمله و اگره همین ها هستند. پس به انتخابات و معرکه گیری اسلامی شان "نه" محکم میگوئیم و برای سرنگونی این نظام نیرویمان را آماده میکنیم.*

زمانی که در اوج ناباوری و انگشت بدهان شدن چپ سنتی، جنبش کمونیسم کارگری از موج برگشت ضد مذهبی و خلاصی فرهنگی و انقلاب زنانه سخن میگفت، "روشنفکر" ترین اینها سرش در پست مدرنیسم و ارتجاع قرون وسطی بود. این شاید طنز تاریخ است که امروز جریانی که این نام را به ناحق یک میکشد جرات نقد مذهب را از دست داده است، ادای سنت کسالت آور "احترام به باور توده ها" را در می آورد، مسلمان سابق می شود، و به نام برخورد سیاسی با مذهب به مذهب سیاسی آوانس میدهد. چون در جامعه ای که مذهب ابزاری سیاسی است و صرفا به جنبش اسلام سیاسی محدود نمیشود و همزمان انزجار از اسلام و آدمکشی و زن کشی اسلامی هر روز اوج میگردد، این برخورد به مذهب سرمایه گذاری روی افشاری است که میخواهند پائی در این جهان و پائی در آن جهان داشته باشند. محصول پوک شدن رادیکالیسم سیاسی و دنباله روی از باورهای است که کمترین شاخص حرکت جامعه و نسل جدید نیست. در جایی که ملی مذهبی ها دستکم در شعار و عوامفریبانه برای معرکه گیری از نفی قانون حجاب سخن میگویند، فقط باید بحال عقبگرد سیاسی این چپ گریه کرد.

"انتخابات" در جمهوری اسلامی یک پناه سیاسی است. نمایش قلداری مثنی باند جنایتکار است. شرکت آگاهانه در آن تنها رساندن سوخت به ماشین جنایت است. سیاستی که میگوید بین احمدی نژاد و خاتمی - میر حسین موسوی بالاخره دومیها بهتر است، سیاستی ورشکسته و ارتجاعی است. این قابل درک است که منطق عمومی که آلترناتیو ندارد بسیاری اوقات بین بد و بدتر ناچارا به بد تمکین میکند اما اسم این "انتخاب"

بیانیه حزب اتحاد کمونیسم کارگری در باره نقش و جایگاه منصور حکمت

کمونیسم منصور حکمت پرچم حزب ماست!



منصور حکمت (ژوبین رازانی) ۱۳۲۰ - ۱۳۸۱
Mansoor Hekmat (Zhoobin Razani) 1951-2002

ها و در چهارچوب مباحث کمونیسم کارگری درافزوده های تئوریک، سیاسی و پراتیک منصور حکمت بسیار تعیین کننده

است. آثار متعدد و ماندگاری که از او بجا مانده است در موارد زیادی از متون مشابه مارکسیستی عمیق تر است. این افتخار بزرگ از آن اوست که موفق شد پرچم انقلابی و کارگری مارکسیستی را بعنوان پرچمی سیاسی، بسیار جذاب و قابل توجه در یک دوره بشدت تاریک در دنیا تبدیل کند.

۳- از زاویه دستاوردهای تشکیلاتی، منصور حکمت منشاء و رکن اساسی فکری، سیاسی و عملی تشکیل سازمان "اتحاد مبارزان کمونیست"، "حزب کمونیست ایران"، "حزب کمونیست کارگری" و "حزب کمونیست کارگری عراق" است. وی همچنین مبتکر و طراح پروژه هائی مانند "فدراسیون سراسری پناهندگان ایرانی"، "اول کودکان"، "کنوانسیون خط نو" و بسیاری از پروژه های حزبی و غیر حزبی دیگر بوده است. از نظر سنتهای کار سیاسی و تشکیلاتی، او نماینده چهارچوب های اجتماعی و غیر فرقه ای فعالیت کمونیستی است. منصور حکمت تصویری اجتماعی از جنبش کمونیستی طبقه کارگر ارائه داد و با روشها و سنتهای کار فرقه ای و حاشیه ای که طی دهه های متمادی هویت چپ شده بود، تعیین تکلیف کرد. یکی از دستاوردهای مهم وی تبدیل کمونیسم به یک جنبش سیاسی

۱- منصور حکمت برجسته ترین نظریه پرداز مارکسیست و رهبر انقلابی و کمونیست معاصر است. بدنبال شکست انقلاب اکثر و مرگ لنین، منصور حکمت تنها کسی است که روشن ترین رگه مارکسیستی را نه فقط در ایران، بلکه در قلمرو جهانی نمایندگی کرده است. او صریح ترین، با اعتماد به نفس ترین و انقلابی ترین نماینده کمونیسم پراتیک است. او در مقاطع مهم تاریخی، که ویژگی عمومی آن عقب نشینی و سرخوردگی و انفراد و تسلیم بود، یعنی در اوج سرکوب خونین "انقلاب ۵۷" و در اوج آنتی کمونیسم بین المللی در مقطع فروپاشی بلوک شرق، پرچم تشکیل حزب کمونیستی طبقه کارگر و پرچم حق با مارکس و طبقه کارگر است را برافراشت. منصور حکمت در یک مقیاس تاریخی و از نظر فکری و سیاسی نماینده انسانیت طبقه کارگر، حقانیت مارکس و انقلابیگری کمونیسم کارگری است.

۲- منصور حکمت بعنوان یک تئورسین مارکسیست سهم و مکان ویژه ای در دفاع از مارکسیسم داراست و درافزوده های عمیقی به تئوری مارکسیستی دارد. حجم آثار او در مقطع "انقلاب ۵۷" ایران، یعنی دورانی که چپ ایران تا مغز استخوان زیر سلطه کمونیسمهای بورژوائی اردوگاههای شوروی، چین و پوپولیسم بود، از زیر آوار بیرون کشیدن کمونیسم و مارکسیسم و تلاش برای ناظر کردن این پرچم به حرکت سوسیالیستی طبقه کارگر یک استثناء در تاریخ جامعه است. تلاش های فکری و سیاسی منصور حکمت و دفاع پرشورش از مارکس و لنین، چپ ایران را دگرگون کرد و تشکیل حزب کمونیست ایران تنها یک محصول سیاسی آن بود. منصور حکمت به نماینده بلامنزاع مارکسیسم در ایران بدل شد. در تداوم این تلاش

رهبران شاخص جدال طبقاتی در تاریخ همواره موضوع جدال اند. منصور حکمت، نه فقط در مرکز جنبش کمونیستی طبقه کارگر، بلکه در میان نیروهای اپوزیسیون رژیم اسلامی، از شاخص ترین شخصیت های سیاسی است که همواره مورد بحث بوده است. هر کس که می خواهد با رژیم اسلامی بسازد باید با منصور حکمت و سازش ناپذیری انقلابی کمونیستی او تسویه حساب کند. هر کس که می خواهد در طیف چپ خود را "سوسیالیست"، انقلابی و کارگری" نام بگذارد باید حسابش را با منصور حکمت صاف کند. هر کس که تا دیروز کاری میکرد و امروز نمی خواهد بکند خود را ناچار می بیند با منصور حکمت دربیافتد. هر کس که تا دیروز به چپ و سوسیالیست بودن و همراهی با منصور حکمت افتخار میکرد و امروز می خواهد ناسیونالیست، قوم پرست، دمکرات، دگراندیش و پست مدرنیست باشد، اول سنگی به سوی منصور حکمت پرتاب میکند. هر کس که می خواهد دیدگاه های عتیق در چپ ایران را بازسازی کند و نمیتواند از اعتبار و میزان نفوذ کمونیسم کارگری صرف نظر کند، پشت منصور حکمت سنگر میگیرد. منصور حکمت، چه زمانی که زنده بود و چه پس از درگذشت اش، از معدود کسانی است که همراه با توجه وسیع به عقاید و دیدگاه هایش همزمان مورد تعرض و تحریف سیاسی و حتی حمله شخصی بوده است. به همین اعتبار دفاع از منصور حکمت ادامه کشمکش است که کمونیسم طبقه کارگر با جریانات متفرقه بورژوائی و جناح های مختلف آن داشته است.

حزب اتحاد کمونیسم کارگری تصریح میکند؛

است که روزمره در جدال قدرت شرکت دارد. منصور حکمت در زمان حیاتش بیوقفه تلاش کرد که نه فقط از مارکس و کمونیسم با تمام قدرت دفاع کند، بلکه کمونیسم را از تصویر سنتی و خاکستری موجود خلاص سازد و بعنوان یک سنت سیاسی، مطرح، جذاب، مدرن و انسانی در مقابل جامعه قرار دهد. در نتیجه کار و تلاش او انقلابی زیر و رو کننده در سیمای فکری و سیاسی، سنت ها و سبک کار چپ موجود بوجود آمد. منصور حکمت ارکان اساسی و هویتی یک کمونیسم کارگری مارکسی، سیاسی و خلاف جریان را ترسیم کرد. برای او طی کردن این مسیر و تبیین استراتژی پیروزی کمونیسم در ایران تنها راه احیاء کمونیسم در مقیاس جهانی بود.

۴- به این اعتبار منصور حکمت دشمنان طبقاتی بیشماری داشت. او قادر شد پرونده کمونیسم بورژوائی را در قلمروهای فکری، سیاسی، تئوریک و سبک کاری در جامعه ایران ببندد و کمونیسم مارکسی و کارگری را مجدداً به یک جنبش سیاسی معتبر تبدیل کند. منصور حکمت قادر شد یکبار دیگر بعد از لنین و بلشویکها در جنگ اول، مرز روشنی با ناسیونالیسم و روایات مختلف نگرش ناسیونالیستی و پوپولیستی حاکم بر چپ ترسیم کند و در قلمرو سیاسی ناسیونالیسم مرتجع و ضد

بیانیه حزب اتحاد کمونیسم کارگری در باره نقش و جایگاه منصور حکمت

کمونیسم منصور حکمت پرچم حزب ماست ...

ایران در گرو پیشروی این سنت متمایز اجتماعی در تقابل با سنتهای متفرقه غیر کارگری و بقایای کمونیسمهای اردوگاهی است. دفاع از منصور حکمت به این اعتبار تداوم جدال ما در قلمروهای متعدد جدال طبقاتی با جریانات بورژوائی است.

۷- حزب اتحاد کمونیسم کارگری بر تداوم دفاع قاطع و روشن و مستدل و سیاسی از منصور حکمت و بر برافراشتن قدرتمند تر این پرچم در متن اعتراض سیاسی و طبقاتی تاکید میکند. پلنوم حزب بر معرفی وسیعتر منصور حکمت و انتشار آثار او، بویژه در اوضاع کنونی جهان که کمونیسم و مارکسیسم بار دیگر مورد توجه طبقه کارگر است، تاکید میکند. فقدان پرچم و سنت کمونیستی کارگری بناگزیبر اعتراض واقعی کارگران را پشت جریانات چپ بورژوائی و رفرمیستی و آنارشستی بسیج خواهد کرد. حزب، کارگران کمونیست، مارکسیستها و طرفداران کمونیسم کارگری را به پیوستن به صفوف حزب منصور حکمت فرا میخواند.

مصوب پلنوم چهارم به اتفاق آرا

ژانویه ۲۰۰۹ - بهمن ۱۳۸۷

مقابل هر تعرض به منصور حکمت از هر سو و در هر قالبی قاطعانه می ایستد. این حزب اجازه تحریف منصور حکمت را، چه از جانب جریانات رسماً ضد کمونیست و چه از جانب کسانی که با نام "کمونیسم کارگری" تلاش دارند سیاستهای راست و پوپولیستی خود را توجیه کنند، نخواهد داد. دفاع از منصور حکمت برای ما دفاع از کمونیسم کارگری است. دفاع از منصور حکمت برای ما امری صرفاً شخصی، عاطفی و یا کلیشه ای و "ایدئولوژیک" نیست، امری سیاسی، اجتماعی و طبقاتی است. منصور حکمت یک سنت متمایز در کمونیسم معاصر است. سنتی که به روشن ترین وجهی ادامه ماتریالیسم پراتیک مارکس و لنین است و تاریخ جدالهای سیاسی و فکری پیروز و پر افتخار را پشتوانه خود دارد. منصور حکمت و کمونیسم کارگری او تنها افقی است که در صورت ناظر کردن آن به اعتراض ضد سرمایه داری طبقه کارگر میتوان افق پیروزی کمونیسم در ایران را گشود. پیروزی کمونیسم در

جدال تمام نشده ناسیونالیسم و جنبشهای غیر کارگری و غیر مارکسیستی با کمونیسم طبقه کارگر است. آنهایی که در زمان حیات او به کنج عزلت خزیده بودند و توان عینی هموردی فکری و سیاسی با کمونیسم طبقه کارگر را نداشتند، بدنبال درگذشت وی و بویژه بدنبال انشعاب در حزب او بیرون آمدند. تاریخ مجعول "قهرمانی" های ناقهرمانان در این دوره نگارش شد و کمپین ضد کمونیستی حمله به منصور حکمت و حتی حمله به حرمت زندگی شخصی او تنها در این دوران و در متن دنیای مملو از ارتجاع و بی پرنسیپی و حاشیه شدن انسانیت ممکن شد.

۶- حزب اتحاد کمونیسم کارگری بر پایه دفاع از منصور حکمت و برافراشتن پرچم سیاسی و کمونیستی کارگری او بنا شده است. منصور حکمت پرچم سیاسی حزب ماست. این حزب خود را موظف به دفاع مستمر از منصور حکمت میداند. این حزب خود را موظف به پراتیک سنت کمونیستی و کارگری و مارکسی منصور حکمت میداند. این هویت اعلام شده است. این حزب در

کمونیست را سرچایش بنشانند. حمله به منصور حکمت، تحریف او، داستان تراشی "قهرمانان پوشالی" که تمام جمال و جبروت شان را در "جنگ با منصور حکمت" تبیین میکنند و تلاش دارند در بازار آنتی کمونیسم کارگری سهمی بگیرند، همه براین واقعیات تاریخی، مکتوب و مدون و تلاش بیوقفه و دورانساز او متکی است.

۵- به همین اعتبار درگذشت نابهنگام او توازن سیاسی را نه فقط در میان چپ، بلکه در اپوزیسیون ایران بهم ریخت. منصور حکمت قطبی بود که سیاست در ایران از او تأثیر می پذیرفت. منصور حکمت در سطح چپ ایران ستونی بود که به چپ امکان می داد در مقابل راست سر بلند کند. فقدان او تأثیرات تعیین کننده ای در این شرایط گذاشت و انشقاق در حزبی که او ساخته بود و دستاورد دو دهه تلاش کمونیسم مارکسی نوین معاصر بود، راه را بر میدان داری جریانات حاشیه ای و تعرض به منصور حکمت گشود. حمله به منصور حکمت عمیقاً سیاسی و طبقاتی است. ادامه

آثار منصور حکمت

را بخوانید!

برای هر کارگر و کمونیستی که به برپائی جامعه ای سوسیالیستی فکر میکند و آن را امری میرم و ممکن میداند، منصور حکمت یک گنجینه غنی آموزش است.

<http://hekmat.public-archive.net/>

www.m-hekmat.com/

یک دنیای بهتر

برنامه حزب را بخوانید و بدست دوستانتان برسانید!

یک دنیای بهتر

مانیفست امروز طبقه کارگر علیه سرمایه داری است.

یک دنیای بهتر

برنامه حکومت کارگری برای آزادی جامعه است!

روش برخورد سیاسی ما به

"حزب کمونیست کارگری" و "حزب کمونیست کارگری- حکمتیست"

رانده شد و بدنبال آن حزب "حکمتیست" تشکیل شد. پس از انشعاب جدال گرایشات متوقف نشد، بلکه در درون هر دو حزب منتسب به کمونیست کارگری ادامه یافت. انشعاب، اما، بروز گرایشات چپ رادیکال را تحت نام خود و بر پای خود میسر کرد. پروسه عبور از منصور حکمت توسط بخش حاکم رهبری هر دو حزب با سرعتی غیر قابل انتظار و شگفت آور به پیش رفت. وجه مشخصه خطوط مختلف چپ رادیکال عبور از منصور حکمت و بازسازی سنت های عتیق چپ ایران و جهان زیر نام "کمونیسم کارگری" بود. همان گونه که احزاب کمونیسم بورژوایی در قرن بیستم با استناد به مارکس و لنین سوسیالیسم های غیر کارگری را نمایندگی می کردند، رهبری این دو حزب تحت عنوان کمونیسم کارگری، با استفاده از نفوذ و اتوریته فکری و سیاسی منصور حکمت و با استناد به برنامه یک دنیای بهتر سیاست های چپ رادیکال و غیر کارگری را طرح و بسط می دهند.

۶- این احزاب در حال تغییر و تحول جدی هستند. تلاش ما، چه در فراکسیون اتحاد کمونیسم کارگری و چه پس از آن برای ناظر کردن خط کمونیسم منصور حکمت بر این احزاب به نتیجه نرسید. تحولات سیاسی و تداوم پراتیک اجتماعی کنونی "حزب کمونیست کارگری" را به کمپ ناسیونالیسم پرو غرب و "حزب کمونیست کارگری- حکمتیست" را به اردوی ناسیونالیسم ضد امپریالیستی سوق خواهد داد.

۷- حزب اتحاد کمونیسم کارگری در نقد این دیدگاهها و مبتنی بر بازسازی حزبی سنت کمونیستی منصور حکمت و ناظر کردن همه جانبه کمونیسم کارگری بر جنبش اعتراض ضد سرمایه داری طبقه کارگر تشکیل شده است.

ما اعلام میکنیم:

حزب کمونیست کارگری، همانگونه که منصور حکمت بارها تاکید کرده است، صرفا نوک کوه یخ جنبش کمونیسم کارگری بود. علیرغم یک گسست کامل و همه جانبه با سوسیالیسم های غیرکارگری و تلاش برای استوار کردن حزب بر جنبش اعتراضی سوسیالیستی طبقه کارگر، گرایشات سوسیالیستی غیرکارگری و چپ رادیکال در این حزب کماکان به حیات خود در حاشیه و سکوت ادامه دادند.

بخشی از این گرایش با تغییر در فضای سیاسی ایران و آغاز جنبش توده ای برای سرنگونی رژیم اسلامی مجددا فعال شد. جنبش سرنگونی با افق رادیکالیسم ضد رژیمی این چپ تطابق یافت. چپ رادیکال در حزب کمونیست کارگری با سیاست تشکیلات داری، حفظ وضع موجود، گوشه نشینی، انقلابیگری ضد رژیمی، تمایلات سوسیال دمکراتیک، و بخشا تسلیم به فرمولهای جنبش دو خرداد و اساسا استتکاف از تلاش کارگری و کمونیستی تداعی می شد. چپ رادیکال در حزب کمونیست کارگری تا سطح برنامه یک دنیای بهتر عقب نشست اما این عقب نشینی فرمال هیچوقت به سنت پراتیکی آن تبدیل نشد.

۵- درگذشت نابهنگام منصور حکمت، رهبر سیاسی، فکری و حزبی کمونیسم کارگری، در حزب کمونیست کارگری یک زلزله سیاسی ایجاد کرد و فضا را برای تعرض این گرایشات آماده کرد. جدالی در حزب توسط دو جناح شکل گرفت که در آن نه کمونیسم کارگری و نه منصور حکمت نمایندگی نشد. در نتیجه این مصافح حزب به سرعت بسمت انشعاب ۲۰۰۴

تشکیل حزب کمونیست ایران پیروزی مارکسیسم انقلابی بر چپ خلقی و ناسیونالیست بود. پدیده ای که طیف وسیعی از چپ موجود را با خود همراه کرد. پس از تشکیل حزب کمونیست ایران، جدال نظری- سیاسی منصور حکمت برای تبدیل این حزب به حزب اعتراض سوسیالیستی طبقه کارگر ادامه یافت. این تلاش در قالب مباحث کمونیسم کارگری بروز یافت.

منصور حکمت با طرح مباحث کمونیسم کارگری در دهه ۸۰ میلادی، به جنبش کمونیسم کارگری در ایران نه تنها یک هویت و تعین تئوریک و سیاسی، بلکه یک خودآگاهی جنبشی و سیاسی بخشید. در ادامه این تلاش های فکری - تئوریک، منصور حکمت با تشکیل حزب کمونیست کارگری در سال ۱۹۹۱ این هویت و آگاهی را در قالب عملی و سازمانیابی حزبی جنبش کمونیسم کارگری متبلور کرد. حزب کمونیست کارگری اولین حزب کمونیستی کارگری در تاریخ ایران است. گسستن از سوسیالیسم های غیر کارگری نه تنها در تئوری و سیاست بلکه در غالب سازمانیابی حزبی نیز متحقق شد. این حزب نقشی بسیار تعیین کننده در ابراز وجود اجتماعی جنبش کمونیسم کارگری و در دخالت فعال این جنبش در جدال های سیاسی و فکری طبقاتی در جامعه داشته است.

۴- تشکیل حزب کمونیست کارگری در متن تحولات مهم جهانی یک پیشروی مهم و نقطه عطفی تعیین کننده در تاریخ جنبش کمونیسم کارگری است. این حزب طی یک دهه در نامساعدترین شرایط جهانی، که آنتی کمونیسم لجام گسیخته و کمونیسم گریزی وجه مشخصه آن بود، به تازگی معتبر در ایران و منطقه تبدیل شد.

۱- احزاب سیاسی را نه آطور که خود ادعا میکنند بلکه بر مبنای پراتیک شان باید قضاوت کرد. احزاب اجتماعی احزابی هستند که به سنتهای ریشه دار طبقاتی متکی اند و سوخت و ساز مادی روشنی با جنبش طبقه خود دارند. احزاب سیاسی همواره تحت تاثیر گرایشات و سنتهای اجتماعی بیرون خود قرار دارند، از آنها تاثیر میگیرند و بر آنها تاثیر میگذارند.

۲- کمونیسم کارگری یک جنبش اجتماعی و طبقاتی است. کمونیسم کارگری گرایشی در درون جنبش طبقه کارگر است که افق ناپودی نظام سرمایه داری از طریق یک انقلاب کارگری و برپائی یک جامعه آزاد کمونیستی را نمایندگی میکند. اما بدنبال شکست انقلاب اکتبر و شکست سوسیالیسم کارگری در روسیه، کمونیسمی به میدان آمد که ناسیونالیسم، رفرمیسم و دمکراسی عناصر اساسی آن بود. احزاب متفرقه چپ جهان در طول قرن بیستم کمابیش از این سنت تاثیر گرفتند. تاریخ قرن بیستم تاریخ جدائی این "کمونیسم" از کارگر و از مارکسیسم است. آنچه بعنوان بستر رسمی کمونیسم و اردوگاههای آن در طول قرن بیستم وجود داشت چیزی جز یک ناسیونال- رفرمیسم بورژوایی نبود.

۳- تلاش برای احیای سنت حزبی کمونیسم کارگری و پایان دادن به این شکاف تاریخی کارگر و کمونیسم امری بود که در ایران و با تلاش منصور حکمت آغاز شد. جدالهای فکری، نظری و سیاسی بعد از "انقلاب ۵۷" که به جنبش مارکسیسم انقلابی معروف شد، اساسا جدالی بود برای دفاع از ارتدوکسی کمونیسم مارکسی و ضرورت سنگربندی طبقه کارگر انقلابی در یک حزب کمونیستی.

روش برخورد سیاسی ما به "حزب کمونیست کارگری" و "حزب کمونیست کارگری- حکمتیست" ...

اعتراض کارگران رایان سایپا!

بنا به خبر دریافتی، کارگران رایان سایپا هنوز بن های گوشت و خواربار ماهیانه خود مربوط به دیماه را دریافت ننموده اند. این در حالیست که کارگران این مرکز تولیدی هر ماه بن کمک غیر نقدی خود را دریافت می کردند. این بن ها شامل 2 کیلو گوشت منجمد و چندین کیلو حبوبات است که کارگران با ارائه بن ها به فروشگاه داخلی رایان سایپا این مواد غذایی درجه چندم را تهیه می نمودند. این میزان ناچیز حداقل گوشه کوچکی از سفره های خالی خانواده های کارگری را پر میکرد که هم اکنون مسئولین رایان سایپا از پرداخت این حداقل ناچیز هم به انجا مختلف طفره میروند. همینطور در دو هفته اخیر دو نوبت غذای گوشت و مرغ از برنامه غذایی کارگران سایتهای یک و دو اینکو پرس ایران خودرو نیز قطع شده و کیفیت غذای کارگران را به شدت تنزل داده اند.

در چند روز اخیر کارگران در دسته های 20 تا 30 نفره به این اقدام ضد کارگری کارفرما شدیداً اعتراض نموده اند. مسئولین رایان سایپا در جواب کارگران معترض گفته اند: "این مشکل بعلت تعویض قرارداد با شرکت پیمانکاری می باشد که خواربار ماهیانه کارگران را تامین میکرد". بدنبال اعتراض کارگران از جانب مسئولین وعده هائی داده شده اما از عمل خبری نیست!

رایان سایپا واقع در جاده مخصوص کرج یکی از زیر مجموعه های صنعتی مهم شرکت سایپا با بیش از 1200 کارگر قراردادی است که بیش از 800 نفر از این کارگران دارای قراردادهای سفید امضا با شرکت پیمانکاری با پایه دستمزد 219 هزار تومانی می باشند و در دو شیفت سنگین و فشرده کاری از 7 صبح تا 4 عصر و از 4 تا 30/12 نیمه شب مشغول به کارند.

یورش به غذا و سفره خالی کارگران و خانواده های محرومشان از جانب سرمایه داران مفتخور و حکومت اوباش اسلامی دور دیگری از تلاش این انگلهای ضد جامعه برای کسب سود بیشتر و انباشته تر کردن حسابهای بانکیشان است. این منطق ساده سرمایه داری است؛ برای تامین سود بیشتر باید به طبقه کارگر فقر بیشتری تحمیل کرد. سرمایه داری همین است، اسلامی و غیر اسلامی آن فرق نمیکند. فقر و فلاکت و بیماری و گرسنگی و مرگ و میر کارگران و خانواده هایشان پشت سکه تشدید استثمار و توحش سرمایه است.

طبقه کارگر باید در مقابل برنامه فقر و فلاکت سرمایه داران و دولت مرتجع اسلامی شان برنامه رفاه همگانی را بگذارد. نمیتوان هم گرسنه بود و هم هفت روز هفته از بوق سگ تا نیمه شب کار کرد. حزب، کارگران بخشهای مختلف مجموعه صنعتی ایران خودرو را به مقابله با دست درازی سرمایه داران به سفره های خالی شان و هماهنگ کردن اعتراضات در واحدهای صنعتی دعوت میکند.

حزب اتحاد کمونیسم کارگری

۳ بهمن ۱۳۸۷ - ۲۲ ژانویه ۲۰۰۹

۱- سیاستهای حاکم به رهبری این احزاب در سازشی صوری با کمونیسم کارگری و ادبیات آن و از نظر اجتماعی و سنت طبقاتی در مقابل آن قرار دارد و آگاهانه برای عبور از آن تلاش میکند.

۲- این سنن با گرایش و سنت سوسیالیستی طبقه کارگر ربطی ندارد. سنتهای فکری، سیاسی و تئوریک حاکم بر این دو حزب اساساً سنتهای چپ رادیکال است. نگرش حزبی و سبک کار آنها مبتنی بر همین سنتها و در تقابل کامل با تئوری حزب اجتماعی و کارگری و سیاسی منصور حکمت و کمونیسم کارگری قرار دارد.

۳- اهداف و نظرات سیاسی این احزاب با برنامه یک دنیای بهتر در تناقض است و برخی از سیاستها و مصوبات رسمی و همچنین پراکتیک عملی شان در مقابل این برنامه قرار دارد.

۴- نوع رهبری، سنت تشکیلاتی، سکتاریسم، فرقه گرایی، شیوه برخورد به مخالفین سیاسی و تحریف منقد و مخالف همگی از بروزات تسلط گرایش چپ رادیکال در این احزاب است.

۵- موقعیت کمونیسم کارگری در این احزاب بعنوان ماتریال انسانی در گرو تعیین تکلیف با سنتها و دیدگاه حاکم بر رهبری و گرایش چپ رادیکال حاکم بر این احزاب است. آرمانخواهی و کمونیست بودن بخشی از کادرهای این احزاب با سیاست و سنت فکری و نظری حاکم بر حزب آنها دو مقوله متفاوت است. اگر کمونیستهای کارگری در این احزاب پرچمی برای تغییر نداشته باشند لاجرم در سیستم جدید موجود حل میشوند.

۶- این احزاب به درجه ای که سیاستهای خود را در لفافه کمونیسم منصور حکمت می پیچند، سرپل، ایستگاه و ظرفی برای پیوستن نیروی انسانی ای هستند که خواهان مبارزه کمونیستی اند. سیاست ما در این راستا نشان دادن ماهیت واقعی خط حاکم بر این احزاب و تلاش برای سوق دادن این نیروها به حزب پرچمدار کمونیسم منصور حکمت، حزب اتحاد کمونیسم کارگری، است.

سرنوشت این احزاب برای حزب اتحاد کمونیسم کارگری مهم است. حزب اتحاد کمونیسم کارگری تاکید می کند که پیروزی کمونیسم کارگری تنها با کمونیسم مارکس و منصور حکمت ممکن است. ما کادرها و نیروهای کمونیسم کارگری در این احزاب را به برافراشتن پرچم کمونیسم کارگری منصور حکمت و پیوستن به حزب اتحاد کمونیسم کارگری فرا میخوانیم.

مصوب پنجم چهارم به اتفاق آرا

ژانویه ۲۰۰۹ - بهمن ۱۳۸۷

قطعه نامه در باره سندیکالیسم

۱- سندیکالیسم، گرایش اتحادیه و سندیکا سازی، بویژه در دنیای امروز یک گرایش "طبیعی" و "خودبخودی" کارگران در دفاع از سطح معیشت و زندگی شان نیست. سندیکالیسم آلترناتیو یک گرایش ناسیونال - رفرمیستی و بورژوازی در جنبش کارگری است. برای سندیکالیسم وجود سرمایه داری بعنوان یک نظام استثمارگر فرض است. گرایشی است که نقدی به بنیادهای نفرت انگیز نظام سرمایه داری، یعنی مالکیت خصوصی بر ابزار تولید و توزیع ثروت اجتماعی، تقسیم طبقاتی و نظام کار مزدی ندارد.

۲- یک ویژگی سندیکالیسم محافظه کاری، بوروکراسی و تلاش برای کنترل رادیکالیسم و عمل مستقیم کارگری است. ویژگی دیگر سندیکالیسم قانونگرایی و تلاش برای محدود کردن مبارزات اقتصادی کارگران در چهارچوب قوانین ارتجاعی سرمایه داری و نظام اسلامی حاکم است. با حاد شدن تخصصات طبقاتی و گسترش رادیکالیزاسیون اعتراض کارگری، این گرایش هر چه بیشتر در مقابل گرایش شورایی و انقلابی کارگری قرار میگیرد.

۳- در کشورهای پیشرفته سرمایه

داری غربی، عمدتاً بعلت قدمت و تاریخ جنبش سندیکایی، ماهیت بورژوازی سندیکالیسم علیه منافع عمومی و پایه ای طبقه کارگر به روشنی عیان شده است. در کشورهایمانند ایران بدلیل اختناق، نبود هر نوع آزادی سیاسی و عدم وجود یک سنت پایدار، این ماهیت سندیکا هنوز تجربه نشده است. لذا در نظر گرفتن سندیکا یا اتحادیه صرفاً به عنوان ابزار دفاعی کارگران برای بهبود معیشت و شرایط کار طبقه کارگر یک اشتباه است. این تشکلات اساساً آلترناتیو جنبش بورژوازی و یا رکن "کارگری" احزاب و گرایشات بورژوازی در صفوف طبقه کارگر هستند. بعلاوه، باید توجه داشت که بخشهای معینی از بورژوازی در دوران تلاطم انقلابی در جامعه ایران در مقابل تلاش کارگران برای سازماندهی جنبش مجمع عمومی کارگری و ایجاد شوراهای کارگری، از سندیکاها در مقابل جنبش عمل مستقیم کارگری دفاع میکنند.

۴- در ایران سندیکالیسم اساساً بازتاب سنت ناسیونال رفرمیسم و مشخصاً جریانات توده ایستی - اکثریتی و نیروهای اپوزیسیون جنبش ملی - اسلامی است. سندیکا سازی اساساً گرایش و سیاست این

خط مشی در جنبش کارگری است. تجربه و عملکرد محدود سندیکالیسم در ایران، چه در دوره اخیر و چه در گذشته، منعکس کننده مختصات پایه ای این جنبش اجتماعی در صفوف جنبش کارگری است.

۵- طبقه کارگر در ایران فاقد یک سنت قوی سندیکایی و جنبش سندیکالیستی ادامه کار است. در "انقلاب ۵۷" که طبقه کارگر امکان ابراز وجود سیاسی در ابعاد وسیع یافت، گرایش و سنت شورائی و رادیکال کارگری دست بالا داشت. گسترش و تعمیق مبارزات کارگری و رشد گرایش رادیکال - سوسیالیستی و شورایی در صفوف طبقه بسرعت گرایش سندیکایی را حاشیه ای و توان آن را در محدود کردن مبارزات توده های کارگر خنثی خواهد کرد.

از اینرو حزب اتحاد کمونیسم کارگری بر نکات زیر در مبارزه خود برای ایجاد تشکل های توده ای کارگری و در مبارزه علیه خط مشی و افق سندیکالیستی تاکید میکند:

۱- ما، راساً، مگر در موارد معین، کارگران را به ایجاد سندیکا فرا نمی خوانیم، بلکه بر سازماندهی شورائی و سنت عمل مستقیم کارگری، بر مجمع عمومی و جنبش مجامع عمومی

مرتبط با هم تاکید داریم و برای گسترش آن تلاش میکنیم.

۲- ما از هر نوع تلاش کارگران برای ایجاد سندیکا (مانند تلاش برای هر نوع تشکل یابی دیگر کارگری) دفاع میکنیم و به آن یاری میرسانیم.

۳- ما در سندیکاها کارگری مستقل شرکت میکنیم و برای کسب رهبری آن میکوشیم. در درون هر سندیکا گرایش مستقل خود را متحد میکنیم.

۴- ما برای نزدیک کردن هر چه بیشتر اتحادیه ها به یک ساختمان غیر بوروکراتیک و بویژه برای متکی شدن آنها در سطوح مختلف به مجامع عمومی و دخالت مستقیم و مستمر کارگران تلاش میکنیم.

۵- تلاش برای گسترش حیطة نفوذ و عمل جنبش رادیکال سوسیالیستی و شورایی در صفوف طبقه کارگر و تامین هژمونی این گرایش در جنبش کارگری یک رکن عمومی فعالیت کارگری ماست.

مصوب پلنوم چهارم به اتفاق آرا

ژانویه ۲۰۰۹ - بهمن ۱۳۸۷

مجمع عمومی کارگری

مجمع عمومی ظرف اعمال اراده مستقیم و مستمر کارگران است!

کارگران در مبارزات جاری به مجمع عمومی متکی شوید!

جنبش مجمع عمومی را گسترش دهید!

کارگر زندانی،

زندانی سیاسی آزاد باید گردد!



قطعه‌نامه در باره عملکرد "کمیته های کارگری" و تاکید مجدد بر ایجاد تشکلهای توده ای کارگری

منظم کردن مجامع عمومی، مستقل از وجود اعتراض و اعتصاب در واحد تولیدی، تلاش آگاهانه برای مرتبط کردن مجامع عمومی کارگری در سطح منطقه ای و سراسر، و تبدیل مجمع عمومی به عنوان سخنگوی واقعی کارگران.

از این رو حزب اتحاد کمونیسم کارگری بار دیگر بر ایجاد تشکلهای توده ای و علنی کارگران در مبارزه علیه بورژوازی بر مبنای "قطعه‌نامه تشکلهای توده ای کارگری: شورا، مجمع عمومی و سندیکا" تاکید میکند. یک شرط اساسی برای پیشروی، تعمیق و پیروزی مبارزه طبقه کارگر که در سالهای اخیر در ابعاد گسترده و به نحو بیوقفه ای ادامه داشته است، رو آوری به سنت سازماندهی شورائی کارگران و گسترش جنبش مجامع عمومی کارگری است. حزب بار دیگر تمامی فعالین و رهبران عملی و بویژه کارگران رادیکال سوسیالیست را به دامن زدن و سازمان دادن جنبش مجامع عمومی کارگری فرامیخواند.

مصوب پلنوم چهارم به اتفاق آرا

ژانویه ۲۰۰۹ - بهمن ۱۳۸۷

تمام فلاسفه جهان را تفسیر کرده اند،

حال آنکه مسئله بر سر تغییر آنست!

کارل مارکس

از سایت حزب دیدن کنید؛

www.wupiran.com

www.for-abetterworld.com

مجامع عمومی کارگری و تثبیت و روتین کردن آنست. شورا مجمع عمومی منظم کارگران است و ایجاد و سازمان دادن آن از لحاظ عملی مقدور است. مجمع عمومی شکل طبیعی سازمانیابی بسیاری از اعتراضات کارگری است، به قدرت مستقیم توده مجتمع کارگران متکی است و دفاع از آن ساده است. پشتوانه عملی آن تاریخ تلاش کمونیستی طبقه کارگر و نه رفرمیسم و سوسیال دموکراسی است. مجامع عمومی با رشد و رادیکالیزاسیون توده های کارگر و تغییر تناسب قوا به سرعت به شوراهای کارگری تبدیل میشود و بر خلاف تشکلات سندیکالیستی و رفرمیستی نه تنها ظرفیت مبارزاتی خود را از دست نداده بلکه بیشتر باز می یابد.

۸- حلقه های پیشروی جنبش مجمع عمومی در شرایط کنونی عبارتند از: تحمیل مجمع عمومی به دولت و کارفرما،

کارگری و شانه خالی کردن از این وظیفه حیاتی است.

۴- یک وظیفه دائمی هر تشکل کارگری تلاش برای متحد کردن و متحد نگهداشتن صفوف طبقه کارگر و دفاع از منافع کارگران است. اما تجربیات تاکتونی این جریانات نشان دهنده دامن زدن به شکاف و تفرقه و سکتاریسم بیشتر در صفوف بخشهای معدودی از طبقه و فعالین کارگری ای است که این جمع ها و محافل را مجرای برای دستیابی به تشکلهای توده ای کارگری تصور کرده اند.

۵- این نهادهای کارگری، هرچند با استقبال وسیعی در میان کارگران روبرو نشده اند، اما به هر اندازه که نفوذ و اشاعه پیدا کرده اند، باعث آشفته فکری کارگران شده و عملاً به مانعی در راه دستیابی به سازمانیابی توده ای و علنی طبقه کارگر تبدیل شده اند.

۶- عملکرد تاکتونی این نهادها ضمن نشان دادن کارنامه منفی آنها بیانگر ضرورت، اهمیت، کارایی و مطلوبیت سنت سازماندهی شورائی و جنبش مجامع عمومی در سازماندهی اعتراضات و اعتصابات کارگری است. اکثریت قریب به اتفاق اعتراضات موفق کارگری بر مجمع عمومی کارگران متکی بوده اند. پیشروی جنبش کارگری در دوران حاضر در گرو روی آوری بخشهای گسترده تری از رهبران عملی و فعالین رادیکال و سوسیالیست کارگری به این سنت کمونیستی مبارزه طبقه کارگر است.

۷- تشکل توده ای کارگری تنها در محیط کار طبقه کارگر میتواند شکل بگیرد. مناسبترین پروسه ایجاد این تشکلهای دامن زدن به جنبش ایجاد شوراهای کارگری و

۱- تشکل های توده ای کارگری در کنار تشکلهای حزبی طبقه، یک رکن اساسی مبارزه طبقاتی کارگران است. پیشروی و پیروزی در مبارزه علیه بورژوازی و استقرار حکومت کارگری بدون پیدایش و تقویت این تشکلهای و اتحاد وسیع توده های طبقه کارگر، مقدور نیست. ایجاد سازمانهای توده ای کارگری امر خود کارگران است و توسط کارگران و در مراکز کار باید ایجاد شود.

۲- اخیراً، ما شاهد شکل گیری "کمیته ها و نهاد های کارگری" تحت عناوین متفاوت از قبیل "کمیته پیگیری"، "کمیته هماهنگی"، "کمیته اقدام کارگری"، "اتحادیه کارگران اخراجی و بیکار" (سپس اتحادیه آزاد کارگران)، "شورای هماهنگی" و غیره بوده ایم. اگر چه هدف اعلام شده این نهادها تلاش برای ایجاد تشکلهای توده ای کارگری است، اما کارنامه عملی و فعالیت تاکتونی شان نشان دهنده پراتیکی خلاف این اهداف اعلام شده است.

۳- این نهادها اساساً بیرون مراکز کار شکل گرفته اند و فعالیت میکنند. سنت حاکم به فعالیت این نهادها، علیرغم هر اختلافی که دارند، سنتی غیر کارگری و خارج از سوخت و ساز اعتراض واقعی و جاری کارگران است. تاکنون هیچیک از این جریانات نتوانسته اند موجد شکل گیری تشکل های توده ای و علنی کارگری در جامعه باشند. بعلاوه، سنت کار و مشغله های فکری و مرزبندی های سیاسی آنها عملاً به بیراهه ای برای ایجاد تشکل کارگری منجر شده است. روی آوری به این پروسه ها و تداوم این سنت کار به معنای عدم پاسخگویی به نیاز حیاتی طبقه کارگر در ایجاد تشکل توده ای

اطلاعیه پایانی

پلنوم چهارم حزب اتحاد کمونیسم کارگری

در این مدت بطور متوسط دو سه اطلاعیه در روز منتشر کرده است. یک نکته قابل توجه این است که تمامی منابع خبری این اطلاعیه ها رفقای حزبی ما هستند. بدنبال انتشار اطلاعیه هشدار حراست ایران خودرو در مورد نقش حزب در اعتصابات کارگری، اخیرا حراست این کارخانه در یکی از اطلاعیه های حزب دخل و تصرف کرده است و اطلاعیه جعلی را با نام و امضای حزب به چاپ رسانده و در میان کارگران پخش کرده است. به ابتکار رفقای حزب اطلاعیه های حزب اکنون در بخش هایی از کشور توزیع می شود. بغیر از اطلاعیه های حزبی، بیانیه حزب در مورد فقر و در مورد انجماد دستمزد کارگران نسبتا وسیع در محلات کارگری پخش شده است. با اطمینان باید اعلام کرد که حزب در میان جنبش کارگری توجه ویژه جلب کرده است.

آذر ماجدی به موانع سازماندهی فعالیت و ساختن ساختار حزبی در خارج اشاره کرد. وی گفت که فعالیت در خارج طی این مدت چندان رضایت بخش نبوده است. رفقای حزبی در انگلستان، کانادا و سوئد موفق شده اند چند آکسیون سازمان دهند. جلسات آموزشی کار خود را آغاز کرده اند، اما هنوز روتین نشده و باید مرتبا گسترش یابد. اعضای جدیدی در انگلستان، سوئد، سوئیس، هلند و ترکیه به حزب جلب شده اند. مساله مالی و درگیری کادرها در فعالیت های متنوع حزبی دو رکن اصلی کندی پیشرفت فعالیت در خارج کشور ارزیابی شد.

مجید پستانچی به پلنوم در زمینه فعالیت کار کمیته آی تی و وب سایت حزب گزارش داد. وی گفت که خوشبختانه رژیم اسلامی هنوز موفق نشده است که وب سایت حزب را فیلتر کند. اما تاکنون دو بار سرور سایت را مورد حمله قرار داده است که هر بار چند روزی کار وب سایت مختل شد. تلاش برای در دسترس نگاه داشتن سایت در داخل کشور، انرژی و وقت زیادی را

کارگران رادیکال - سوسیالیست تاکید گذاشت. وی گفت که این فعالین کارگری بر این نظر اند که حزب به روشنی دارای نفوذ است، اما باید این نفوذ گسترش یابد. نسرین رضمانعلی همچنین اشاره کرد که مساله ارتباط گیری با مشکلاتی روبرو شده است که باید در جهت رفع آنها سریع اقدام شود. حزب در چند مبارزه کارگری دخالت فعال داشته است و نقش حزب در پیشبرد این مبارزات و احساس مسئولیت بالای حزب برای حفظ امنیت فعالین موجب توجه بیش از پیش فعالین به ما شده است. این احساس مسئولیت و عدم سکتاریسم دو فاکتور مهم در جلب فعالین کارگری به حزب است. طرح مساله کنترل کارگری از جانب حزب به بحث عمیق و گسترده ای در جنبش کارگری دامن زده و رهبران کارگری بسیاری را بخود جلب کرده است. مباحث و نقد حزب در مورد نهاد های کارگری که در خارج محیط کار شکل گرفته اند تاثیر مثبتی در میان فعالین کارگری داشته است. نسرین رضمانعلی در انتها اشاره کرد که ما احتیاج داریم نیروی بیشتری را بر این عرصه از فعالیت متمرکز کنیم. مشکلات و کمبود های مالی حزب نیز یک مانع جدی در گسترش نفوذ حزب در میان نه تنها جنبش کارگری، بلکه جنبش های اجتماعی رادیکال دیگر است.

سیاوش دانشور در مورد انتشار نشریه برای یک دنیای بهتر و انتشار اطلاعیه های حزبی به پلنوم گزارش داد. نشریه برای یک دنیای بهتر کماکان محبوب تر شده است. مباحث آن توسط بخش وسیعی از فعالین کارگری و نیروهای چپ و اپوزیسیون مطالعه می شود و به مباحث داغی در زمینه مسائل اجتماعی و سیاسی دامن می زند. حزب

تغییر یافته است و ما به پایان یک دوره رسیده ایم. دوره ای که با تهاجم ریگان و تاچر آغاز شد، سقوط بلوک شرق و تهاجم وحشیانه سرمایه داری به طبقه کارگر، آزادیخواهی و کمونیسم اوج آن بود و بحران عمیق و گسترده سرمایه داری نقطه پایان آن است. او اشاره کرد که شرایط بیش از هر زمان برای تعرض و عمل مستقیم کمونیستی مهیا است.

سپس پلنوم به بحث درباره جوانب مختلف این مبحث پرداخت. طی مباحث بر این نکته تاکید شد که باید ویژگی ها و اهمیت شرایط کنونی را برای مبارزه کمونیستی دریافت. اشاره شد که مبارزات طبقه کارگر جهانی پشتوانه ای برای مبارزه طبقه کارگر و کمونیسم در ایران برای کسب قدرت سیاسی است. بر نقش حزب بعنوان حزب کمونیستی کارگری که سنت منصور حکمت را دنبال می کند در این شرایط، بویژه در ایران، تاکید شد.

دستور بعدی به گزارش فعالیت های حزب در فاصله دو پلنوم اختصاص داشت. مسئولین هر عرصه گزارش خود را به پلنوم ارائه دادند و در مورد نقاط ضعف و قدرت حزب در هر عرصه صحبت و توجه حزب را به ملزومات رفع نواقص جلب کردند. رفقا نسرین رضمانعلی در مورد کمیته سازمانده، سیاوش دانشور در مورد تبلیغات، آذر ماجدی تشکیلات خارج کشور، سیروان قادری دفتر حزب در دفاع از حقوق پناهندگی، شهلا نوری مالی، مجید پستانچی در مورد وب سایت حزب و کمیته آی تی و مریم کوشا کمیته روابط بین الملل به پلنوم گزارش دادند.

نسرین رضمانعلی بر گسترش نفوذ حزب در میان فعالین کارگری و

پلنوم چهارم حزب اتحاد کمونیسم کارگری طی سه روز از تاریخ ۲۴ تا ۲۶ ژانویه با شرکت اکثریت اعضای کمیته مرکزی و تعدادی از کادرها، بعنوان ناظر، برگزار شد. پلنوم با سرود انترناسیونال و یک دقیقه سکوت بیاد جانباختگان سوسیالیسم و منصور حکمت کار خود را آغاز کرد. ابتدا آئین نامه تصویب و هیات رئیسه انتخاب شد. سپس دستور جلسه بدینقرار به تصویب رسید:

- ۱- افتتاحیه،
- ۲- اوضاع سیاسی بین المللی و ایران،
- ۳- گزارش و بررسی عرصه های مختلف فعالیت حزبی در فاصله دو پلنوم و بحث پیرامون گزارش،
- ۴- قطعنامه ها:

۱-۴ روش برخورد سیاسی ما به "حزب کمونیست کارگری و "حزب کمونیست کارگری-حکمیست"، ۲-۴ درباره عملکرد "کمیته های کارگری" و تاکیدی مجدد بر ایجاد تشکلهای توده ای کارگری،

۳-۴ درباره سندیکالیسم، ۴-۴ بیانیه حزب اتحاد کمونیسم کارگری درباره نقش و جایگاه منصور حکمت،

۵- اولویت های سیاسی و فعالیت های آی حزب؛

- جنبش کارگری و جهت گیری اساسی ما،

۶- انتخابات

۷- اختتامیه.

در مبحث افتتاحیه علی جوادی به اوضاع بین المللی و بحران جهانی سرمایه داری پرداخت. وی اشاره کرد که شرایط بشدت

اطلاعیه پایانی

پلنوم چهارم حزب اتحاد کمونیسم کارگری...

کمونیسم کارگری و انعکاس مثبت این نقد ها در جامعه تاکید گذاشتند.

مبحث بعدی انتخابات بود. علی جوادی به اتفاق آراء بعنوان دبیر کمیته مرکزی انتخاب شد و رفقا سیاوش دانشور، نسرین رمضانعلی، مریم کوشا، آذر ماجدی، سعید مدانلو و شهلا نوری بعنوان اعضای دفتر سیاسی حزب انتخاب شدند.

پلنوم چهارم حزب اتحاد کمونیسم کارگری با موفقیت کامل پس از سخنان اختتامیه علی جوادی و پخش سرود انترناسیونال به پایان رسید.

در این سه روز علاوه بر جلسات رسمی پلنوم، سمینارهایی در رابطه با مسائل جنبش کمونیسم کارگری نیز برگزار شد. کلیه رفقا فعالانه در این مباحث شرکت داشتند. این سمینارها مباحث بسیار جالب و داغی را طرح کرد و به بحث گذاشت.

در پایان پلنوم جلسه دفتر سیاسی برگزار و هیئت دائر دفتر سیاسی انتخاب شد. آذر ماجدی، علی جوادی و سیاوش دانشور بعنوان اعضای هیئت دائر حزب انتخاب شدند.

حزب اتحاد کمونیسم کارگری

۲۸ ژانویه ۲۰۰۹

عملکرد "کمیته های کارگری" و تاکید مجدد بر ایجاد تشکلهای توده ای کارگری، علی جوادی درباره سندیکالیسم و سیاوش دانشور بیانیه حزب درباره نقش و جایگاه منصور حکمت را معرفی کردند. هر چهار سند به اتفاق آراء به تصویب پلنوم رسیدند.

در مبحث اولویت های سیاسی و فعالیت آتی حزب رفقا فعالانه دخالت کردند. همه بر گسترش فعالیت حزب چه در داخل کشور و چه در خارج تاکید داشتند. تحکیم تصویر حزب به عنوان یک حزب سیاسی مدعی قدرت سیاسی، در دسترس قرار دادن هر چه بیشتر حزب و در این راستا تلاش برای گسترش برنامه های تلویزیونی و رادیویی حزب، گسترش توان مالی حزب بعنوان کلید گسترش فعالیت های حزب، تحکیم ساختار حزبی و تمرکز بیشتر بر نقد دائمی اپوزیسیون از نکات مورد اشاره در این بخش بود. رفقا بر نقش موثر و چشمگیر حزب در نقد اپوزیسیون، ناسیونالیسم پرو غرب، ملی - اسلامی ها و احزاب موسوم به

انگلیسی حزب راه اندازی شده است. اما پیشرفت کار بعلت کمبود نیرو بسیار کند بوده است.

پس از پایان گزارشات بحث و پرسش در مورد آنها آغاز شد. در مجموع کلیه رفقا بر این نکته تاکید داشتند که حزب اتحاد کمونیسم کارگری بعنوان یک حزب جدی، فعال و رادیکال در میان اپوزیسیون، جنبش کارگری و جامعه بطور کلی تثبیت شده است. یک نکته بسیار مهم این است که حزب بعنوان حزب کمونیستی کارگری که بر سنت منصور حکمت پای میفشارد و بعنوان مدافع سرسخت نظرات، سبک کار و سنت منصور حکمت شناخته شده است.

در روز دوم پلنوم با بحث در مورد قطعنامه ها آغاز بکار کرد. ابتدا آذر ماجدی قطعنامه برخورد سیاسی ما به "حزب کمونیست کارگری" و "حزب کمونیست کارگری- حکمتیست" را معرفی کرد. این یکی از اسناد مهم مصوب پلنوم چهارم است. بدنبال بحث مفصل در این مورد، قطعنامه باتفاق آراء به تصویب رسید. نسرین رمضانعلی قطعنامه درباره

طلب میکند. بازدید کنندگان سایت گسترش پیدا کرده اند. بویژه روز پنجشنبه، روز بعد از انتشار نشریه برای یک دنیای بهتر، تعداد بازدید کنندگان سایت بسیار افزایش پیدا میکند. بطور متوسط روزهای پنجشنبه سایت حدود ۴۳ هزار بازدید کننده دارد. جالب اینجاست که از نقاط حتی دور افتاده کشور به سایت رجوع میشود.

سیروان قادری در زمینه پیشرفت کار دفتر حزب در دفاع از حقوق پناهندگی، بویژه در ترکیه اشاره کرد. وی گفت که فعالیت های این دوره حزب تأثیرات بسزائی در کمک به پناهجویان داشته است. سازمان عفو بین الملل و دفتر سازمان ملل در ترکیه اکنون با ما در مورد برخی پرونده ها تماس می گیرد و به نامه های اعتراضی ما سریعاً پاسخ می دهد.

شراره نوری در مورد فعالیت دبیرخانه و میزان آمار ارسال نشریات و اطلاعیه های حزبی به یک لیست وسیع گزارش داد. و مریم کوشا گفت که کار ترجمه اسناد حزبی آغاز شده و سایت

کمونیسم کارگری

اصول اعتقادی و آرمان اجتماعی کمونیسم کارگری بر نقد ارکان اقتصادی و اجتماعی و فکری نظام سرمایه داری متکی است. نقدی از زاویه طبقه کارگر مزدی در این جامعه و به این اعتبار حقیقی و انقلابی. تلقی زحمتکشان و تولید کنندگان غیر پرولتر از آزادی و برابری و سعادت بشر، چه امروز و چه در جوامع پیشین، به ناگزیر انعکاسی از مناسبات اجتماعی حاکم بر جامعه و موقعیت خود آنان در رابطه با تولید و مالکیت است. تلقی برده از آزادی بناچار چندان از لغو برده داری فراتر نمیرفت و تجسم رعیت یا صنعتگر خرده پای شهری از برابری چیزی بیش از برابری در حق مالکیت نمیتوانست باشد.

اما، با ظهور پرولتاریا بعنوان توده عظیم تولید کنندگان فارغ از هر نوع مالکیت و وسائل تولید، طبقه ای که اسارت و استثمار اقتصادی اش، دقیقاً بر آزادی حقوقی اش بنا شده است، افق آزادیخواهی و برابری طلبی از اساس دگرگون شد. پرولتاریا نمیتواند آزاد شود بی آنکه جامعه بطور کلی از مالکیت خصوصی بر وسائل تولید و تقسیم طبقاتی رها شود. برابری امری نه صرفاً حقوقی، بلکه همچنین و در اساس اقتصادی - اجتماعی است.

انتقاد پرولتری به سرمایه داری و جهان نگر و مبارزه سیاسی آزادیخواهانه و رهانیبخش کارگری که قریب دو قرن قبل در شکل مشخص کمونیسم کارگری ظهور کرد، با مارکسیسم به انسجام و شفافیت و قدرت نظری عظیمی دست یافت. جنبش کمونیسم کارگری در تمام طول تاریخ خویش با مارکسیسم و نقد مارکسیستی به جامعه سرمایه داری پیوندی عمیق و ناگسستنی داشته است.

چند خبر از اخراج کارگران

اخراج کارگران کارخانه پچ پچ!

طی چند روز گذشته 6 نفر از کارگران ناراضی و قراردادی کارخانه پچ پچ به دستور کارفرما از کار اخراج شدند. "جرم" این کارگران ناراضی از شرایط کار غیر انسانی موجود و خواست اصلیشان افزایش دستمزدها بوده است!

شریفی مالک کارخانه و سرمایه دار میلیاردی که بقول کارگران تا خرخره غرق فساد اخلاقی و مالی است، با گستاخی به کارگران اخراجی گفته است: من که سر پرست و وکیل شماها نیستم بر طبق قانون قراردادی با همدیگر داشتیم و نداشتیم از الان به شما نیازی ندارم. خوش آمدید! این انگل مفتخور همچنان به جمع دیگری از کارگران که خواهان افزایش دستمزدهای ناچیزشان هستند به صراحت گفته است: تنها چیزی که زیاده کارگره. با همین دستمزدها کار می کنید بسم الله نمی خواهید خدا حافظ!

کارخانه پچ پچ یکی از مراکز صنعتی بزرگ در زمینه تولید کیک و کلوچه واقع در صفا دشت جاده ملارد کرج می باشد. بیش از 700 نفر کارگر قراردادی سفید امضا با قراردادهای یک طرفه و پایه دستمزد 219 هزار تومانی در یک شیفت کاری سنگین از 7 صبح تا 5 عصر مشغول به کارند. انجام اضافه کاری پس از اتمام ساعت کار عادی اجباری بوده و از کارگران خسته همچنان تا پاسی از شب کار می کشند. در ایام تعطیل نیز بنا به خواست شریفی کارگران بایستی در کارخانه حاضر باشند. نحوه محاسبه مبالغ مربوط به اضافه کاری شبانه و تعطیلات بقول یکی از کارگران به روش سگ خوریست!! یعنی هر طور که دلشان بخواهد و صلاح بدانند. همچنین طی این روزها شریفی به کارگران اعلام نموده است: چون

کارخانه از سود دهی کافی برخوردار نیست تا پایان امسال، حداکثر تا 2 ماه آینده، آندسته از کارگرانی را که قراردادهایشان به اتمام می رسد از کار اخراج خواهند شد.

اخراج در سازمان بهزیستی تهران!

بر طبق یک بخشنامه محرمانه که در روز دوشنبه 10/11/87 به پرسنل و کارمندان بخش جمعیت آفتاب، که یکی از بخشهای خصوصی سازمان بهزیستی تهران در زمینه معالجه و مشاوره معتادین به مواد مخدر می باشد، اعلام گردیده که این مرکز تا پایان سال منحل شده و ساختمان اداری این مرکز واقع در خیابان سهروردی جنوبی بایستی تا پایان سال تخلیه شود. سهامداران اصلی جمعیت آفتاب آخوند خاتمی سید خندان و کروی هستند که سودهای سالیان سال این مرکز به جیب های گشاد این حضرات سرازیر بوده است و حالا که بنا به قولی "سود دهی کافی را ندارد" می خواهند از شرش خلاص شوند. این مرکز دارای 20 نفر کارمند و پرستار قراردادی با سابقه کاری بین 5 تا 18 سال با دستمزد ماهانه 240 هزار تومانی می باشد که کارشان را از دست خواهند داد. از دیروز با اعلام انحلال و اخراج از جانب آخوند های سرمایه دار این 20 نفر و خانواده هایشان در اضطرابی عمیق و وحشت از بیکاری و فقر فرو رفته اند.

طرح اخراج کارگران شرکت لبنیاتی دامداران!

نوربخش کلان سرمایه دار بزرگ و مالک کارخانه لبنیاتی دامداران که نقشه اخراج و بیکارسازی جمع کثیری از کارگران این واحد صنعتی را در دست تهیه و اجرا دارد، خطاب به جمعی از کارگران گفته است بدلیل کسر بودجه و مشکلات مالی و عدم اجرای وعد ه هایی که برخی از بانکها در

زمینه پرداخت وام و تسهیلات داده اند، ما مجبوریم دست به کاهش نیرو زده و با عدم تمدید قرار دادهای برخی از کارگران حداقل خودمان را نجات دهیم!

این زمزمه ها یعنی اخراج و بیکارسازی طیف وسیعی از کارگران زحمتکش و تحمیل گرسنگی و فقر هر چه بیشتر به خانواده هایشان. این طرح جدیدی نیست. این ترفند و توطئه مشترک سرمایه داران مفتخور و حکومت اسلامیشان در پایان هر سال مالیست. آنها در جهت کسب سود بیشتر، که بر بستر خانه خرابی و نابودی هر چه بیشتر زندگی کارگران و خانواده هایشان هموار می شود، به تب گرفته اند تا کارگر به لرز راضی شود. با این بهانه ها و ایجاد فضای رعب و وحشت از بیکاری از افزایش سالانه دستمزدها طفره می روند، دست مزدهای معوقه را نمی پردازند، فشار و شدت کار را بالا می برند، و در آغاز سال جدید با این روشها از شر کارگران قدیمی که توقعشان بیشتر است خودشان را خلاص میکنند و کارگران قراردادی جدیدی را با دستمزدهای کمتر و با شدت

استثمار بیشتری به کار می گیرند. این "عیدی" سرمایه داران و حکومت اسلامیشان در پایان هر سال به کارگران زحمتکش و خانواده های شریفشان است که یک سال را با فقر و گرسنگی و بیماری و هزار محرومیت دیگر به سر رسانده اند.

کارخانه لبنیاتی دامداران واقع در شهریار کرج یکی از مراکز مهم تولید انواع مواد لبنی در ایران است که انواع محصولاتش به شهرستانها نیز صادر می شود. در این مرکز بیش از 2000 کارگر قراردادی سفید امضا با دستمزد های 219 هزار تومانی در شرایط نامناسب و شیفت های سنگین شبانه روزی مشغول به کار می باشند. لازم به یادآوریست شرکتی به نام تلیسه واقع در شهریار کرج که کارش جمع آوری شیر برای کارخانه دامداران است نیز اعلام نموده به دلیل مشکلات مالی در پایان امسال جمع زیادی از کارگران قراردادی خود را اخراج خواهد نمود.

حزب اتحاد کمونیسم کارگری

۹ بهمن ۱۳۸۷ - ۲۸ ژانویه ۲۰۰۸

جامعه کمونیستی

محور اساسی انقلاب کمونیستی، لغو مالکیت خصوصی بر وسائل کار و تولید، و تبدیل آن به دارایی جمعی کل جامعه است. انقلاب کمونیستی به تقسیم طبقاتی جامعه خاتمه میدهد و نظام مزد بگیری را از میان برمیآورد. بازار، مبادله کالایی و پول حذف میشوند. بجای تولید برای سود، تولید برای رفع نیازهای همه مردم و برای رفاه هرچه بیشتر همه انسان ها میشوند. کار، که در جامعه سرمایه داری برای اکثریت عظیم مردم تکاپویی ناگزیر و چشم بسته و فرسوده کننده برای امرار معاش است، جای خود را به فعالیت خلاق و داوطلبانه و آگاهانه مردم برای هرچه غنی تر کردن زندگی انسانی میدهد.

هرکس، به اعتبار انسان بودن و چشم گشودن به جامعه انسانی، به یکسان از کلیه مواهب زندگی و محصولات تلاش جمعی برخوردار خواهد بود. از هرکس به اندازه قابلیتش و به هرکس به اندازه نیازش، این یک اصل اساسی جامعه کمونیستی است.

پرستاران کرمانشاه!

یا رسیدگی به خواهشهایمان یا اعتصاب!

بنا به خبر دریافتی، به دنبال اوضاع نابسامان و پرترسج بیمارستانها و مراکز درمانی کرمانشاه و عدم پاسخگویی و رسیدگی حکومت اسلامی سرمایه داران به خواستههای پرسنل بخش درمان، پرستاران کرمانشاه تهدید به اعتصاب و تجمع نمودند.

در 20 روز گذشته طوماری که به امضای پرستاران بیمارستانهای کرمانشاه رسیده بود برای نوری زاد رییس دانشگاه علوم پزشکی کرمانشاه ارسال و طی آن درخواست شده بود به خواستهها و مشکلات مالی پرستاران رسیدگی شود که البته از جانب نوری زاد نه تنها پاسخی داده نشد بلکه فشارهای کاری و مالی بیشتری را به پرستاران تحمیل نمودند. هم اکنون تومار اعتراضی دیگری از جانب پرستاران مبنی بر پافشاری بیشتر بر خواستههایشان تهیه شده و دست به دست بین پرسنل میچرخد و در حال جمع آوری امضاست. در این تومار اعتراضی آمده است ما پرستاران مصرانه خواهان رسیدگی و دستیابی به حقوق پایمال شده مان هستیم و تا تحقق خواستههای خود تحت هیچ شرایطی کوتاه نخواهیم آمد. مهمترین بندهای تومار اعتراضی به قرار زیر است:

1- اختلاف و شکاف طبقاتی حاد از نظر مالی بین پرستارانی که شبانه روزی به کار طاقت فرسا و سخت مشغولند با مدیران ارشد و پزشکان متخصص باید برچیده شود.

2- عدم دریافت حق لباس از آغاز سال 1387 تاکنون از بابت هر 6 ماه 30 هزار تومان.

3- عدم دریافت جیره نقدی سالیانه برای هر یک از

پرستاران به مبلغ 80 هزار تومان مربوط به سال 1387.

4- عدم پرداخت مبالغ و دستمزد اضافه کاری بیش از 2500 نفر از پرستاران مربوط به ماههای مهر، آبان، آذر و دیماه 1387.

5- افزایش خود سرانه ساعت کار پرستاران از 35 ساعت به 44 ساعت.

6- کسر 4% از ضریب کارکنان ارشد و کاهش دستمزدها.

7- آموزش ضمن خدمت پرسنل باید مانند سابق همچنان بخشی از ساعت کاری و جز کار پرستاران دیده و محاسبه شود. هیچ پرستاری بدلیل شرکت در کلاس و دوره های آموزشی نباید از مرخصی سالیانه اش که به خود و خانواده اش تعلق دارد استفاده نماید.

8- یک روز استراحت کاری در هفته برای آن دسته پرستارانی که سابقه کارشان بالای 18 سال است بایستی بمانند گذشته رعایت و اجرا شود.

9- ما پرستاران بر دستیابی به خواستههای ابتدایی و برحق و انسانی خود جدی و مصمم بوده و در صورت عدم رسیدگی و دریافت جواب مناسب در محوطه دانشگاه علوم پزشکی کرمانشاه دست به اعتصاب و تجمع خواهیم زد.

پرستاران معترض اعلام داشته اند طی چند روز آینده که کار جمع آوری و تهیه این تومار به پایان رسد رونوشت آن را نیز برای غفوری استاندار کرمانشاه، دفتر احمدی نژاد، لنگرانی وزیر بهداشت و درمان، سازمان نظام پرستاری و دیگر مراکز حکومت

اسلامی سرمایه داران ارسال خواهند نمود.

پرستاران شریف و زحمتکش!

تجارب یکسال گذشته نشان میدهد که مسئولین مفتخور دولتی به تومار و امضای صرف وقعی نمیگذارند. اما وقتی اراده متحد شما را میبینند عجز و لایه شان شروع میشود. آنها تلاش میکنند با تقسیمات مختلف استخدامی و دسته بندی کردن شما کارگران و کارکنان شریف بیمارستانها ایجاد تفرقه کنند و از این مجرا سیاستهای ارتجاعی شان را پیش ببرند. این سیاست در تمام مراکز درمانی از اندیمشک تا تهران و کرمانشاه بچشم میخورد.

اتحاد کنونی بین پرستاران را باید بمراتب تقویت کرد و مثل تنی واحد علیه این دزدان و کلاهبرداران حرفه ای بمیدان

آمد. ضامن پیروزی شما تنها اتحاد و قدرت متشکل شماست. به وعده و وعیدها توجهی نکنید. اسیر سیاست سردوانی و فرسایشی نشوید. در مقابل زورگویی آنها قدرتان را بمیدان بیاورید. هر وقتی طبقه ما گوشه ای از قدرت و اتحادش را نشان میدهد، سرمایه داران راهی جز عقب نشینی ندارند.

حزب، پرستاران را به اتحاد وسیعتر، اعتصابات اختطاری، و اعتراض دسته جمعی دعوت میکند. دخیل کردن همه کارکنان و پرستاران و تشکیل مجامع عمومی منظم ضامن تقویت اتحاد وسیعتر است. این اتحاد باید کل مراکز درمانی استان را درنوردد. حزب، ضمن حمایت از خواستههای برحق پرستاران برای تلاش و مبارزه آنها آرزوی موفقیت میکند.

حزب اتحاد کمونیسم کارگری

۳ بهمن ۱۳۸۷ - ۲۲ ژانویه ۲۰۰۹

جامعه کمونیستی

جامعه کمونیستی برای نخستین بار به آرمان آزادی و برابری انسان ها به معنی واقعی کلمه عمل میپوشاند. آزادی، نه فقط از ستم و سرکوب سیاسی، بلکه از اجبار و انقیاد اقتصادی و از اسارت فکری. آزادی در تجربه ابعاد مختلف زندگی و در شکوفایی خلاقیت ها و عواطف والای انسانی. برابری، نه فقط در برابر قانون، بلکه در بهره مندی از امکانات مادی و معنوی جامعه. برابری شان و ارزش همه در پیشگاه جامعه.

جامعه کمونیستی یک آرزو و یک مدینه فاضله خیالی نیست. تمام شرایط پیدایش چنین نظامی، در دل همین جهان موجود سرمایه داری فی الحال فراهم شده اند. توان علمی، تکنولوژیکی و تولیدی انسان امروز چنان ابعاد عظیمی پیدا کرده است که پی ریختن جامعه ای معطوف به رفع نیازها و تامین آسایش همگان کاملاً مقدور است. انقلابات الکترونیکی و انفورماتیک دهه های اخیر و تحولات شگرف در ابزارها و روش های ارتباطاتی و اطلاعاتی سمعی و بصری، سازمان دادن یک جامعه جهانی و شرکت همگانی در طراحی و برنامه ریزی و اجرای امور گوناگون جامعه را پیش از پیش میسر ساخته است. بخش عظیمی از این توان تولیدی هم اکنون یا به اشکال مختلف به هدر داده میشود و یا عامدانه مصروف ممانعت از بکار بستن این امکانات در خدمت رفع نیازهای بشر میشود. اما علیرغم همه عظمت امکانات مادی جامعه، پشتوانه اساسی جامعه کمونیستی را نیروی خلاقه و زنده میلیاردها انسانی تشکیل میدهند که از اسارت طبقاتی، از بردگی مزدی، از اسارت معنوی و از خود بیگانگی و از حقارتی که نظام موجود به آنها تحمیل میکند رها میشوند. انسان آزاد، ضامن تحقق جامعه کمونیستی است.

نگاه بر جاده زندگی

پدرام نو اندیش

و اینک نگاه بر جاده زندگی میکشیم. دوخته ایم

براستی فردایمان چه می شود؟
آقا لطفا از ما عکس نگیر؟؟؟

نکنه که عکسها برای نیروی
انتظامی باشد؟؟؟

من نه افغانی ام و نه عراقی و
نه ...

من انسانم!

لطفا از ما عکس نگیر. به کجا
باید باز گردم؟؟؟

فکر میکنید اگر ما را نگذارند که
کار کنیم

کسی دیگر فقیر و گرسنه نیست.

آنچه میدانم این وطن مال من و
کسانی چون من نیست.

این وطن رویایی است برای رویا
پردازان.

ولی من نمی توانم با رویا شکم
را سیر کنم.

من اینجا هستم برادرم و خواهرم
شاید بر سر چهار راهی و یا
خوابیده بر گوشه ای که بستری
جز زمین ندارند.

کاش میتوانستم بخندم. خنده ای که
اشکم را سرازیر کند. خندهای که
جز نفرت چیزی در آن نخواهد
بود. نفرتی که وطن پرستان "ما
هستیم" گفته معنای آن را می
دانند و از آن هراسانند.

نفرتی که معنای آن را صاحبان
سرمایه میدانند. و اینانند وطن
پرستان واقعی!

من و آن وطن پرست که بانگ بر
میآورد: ما هستیم؛ با هم برابریم
و... اما فقط در هوایی که نفس

من انسانم. چشمم هیچ خط
جغرافیایی را نمیبیند. مرزی را
نمیبینم ... اما لبها را که فریاد بر
می آورند کارگریم کارگریم، گرسنه
ایم گرسنه ایم را به خوبی میبینم و
صدایشان را میشنوم. چشمانی را
که نفرت از جنگ و ویرانی در آن
موج میزند را میبینم. و دستهایی را
که در هر گوشه ای از این جهان به
سویم است را میبینم.

من انسانهایی را میبینم که هدفشان
خوشبختی انسانها است. و آنها نیز
خطوط جغرافیایی را نمیبینند.

آنها میگویند کمونیست هستیم.
کمونیسم یعنی رهایی انسان.
کمونیسم یعنی خوشبختی من و
مادرم و خواهرم. کمونیسم یعنی
برابری نه فقط در نفس کشیدن
بلکه در تمام امکانات زندگی.

یعنی اینکه من و برادرم و خواهرم
دیگر مجبور به گرسنه خوابیدن
نخواهیم بود. مادرم دیگر کتک
نخواهد خورد. و پدرم را به هر
بهانه ای روانه زندان نخواهند کرد.

یعنی اینکه هیچ انسانی به خاطر
دیگری کشته نشود. گاه که از کنار
تلویزیونی رد میشوم جنازه های
کودکانی چون خودم در غزه و یا
عراق و یا در افغانستان را میبینم
که گوینده خبر با کت و شلواری
شیک اخبار جنگ را اعلام میکند!

کمونیسم یعنی اینکه شاهد هیچ
جنایتی نباشیم و جنگ را برای
همیشه متوقف کنیم.

من هم کمونیستم چون که این ها؛
یعنی کمونیست ها حرف دل من را
میزنند.

من انسانم چون کمونیستم.*



**منفعت کودک بر هر منفعت سیاسی،
اقتصادی، و ایدئولوژیک مقدم است!**

**کودک مذهب و ملیت ندارد. کودکان باید
مستقل از موقعیت اقتصادی خانواده از یک
زندگی مرفه و شاد و ایمن برخوردار
باشند!**



کنفرانس بین المللی بمناسبت 8 مارس 2009

چرا سکولاریسم اساسی است؟

سازمان آزادی زن روز شنبه 7 مارس یک کنفرانس یک روزه با تم: "نقش مخرب مذهب در زندگی و بر حقوق زنان؛ چرا سکولاریسم اساسی است؟" در شهر گوتنبرگ، سوئد سازمان میدهد. در این کنفرانس فعالین و محققین حقوق زن از خاورمیانه و اورپا گرد می آیند تا تاثیر رشد جنبش های مذهبی در دو دهه اخیر بر زندگی زنان را مورد بررسی قرار دهند. مذهب کاتولیک، کلیسای ارتدوکس، مذهب یهود، اسلام و جنبش اسلام سیاسی مورد بررسی قرار می گیرد.

این کنفرانس توسط سازمان های حقوق زن و سکولاریست زیر مورد حمایت قرار گرفته است:

ابتکار فمینیستی اروپا برای یک اروپای آلترناتیو، زنان برای صلح - سوئد، شبکه علیه جنایات ناموسی، مرکز برای تحقیق

سخنرانانی که تاکنون شرکت شان تأیید شده است:

هما ارچمند	هماهنگ کننده کمپین علیه دادگاه های شریعه
هوگو استرلا	سکولاریست، مسئول بخش اروپای CFI
سواد بابا آیسا	عضو کمیته هماهنگ کننده ابتکار فمینیستی اروپا- فرانسه/الجزایر
جولی بیندل	ژورنالیست و فعال حقوق زن و مبارزه علیه فحشاء- انگلستان
مالینه بوسک	فعال سکولاریست و مدافع حقوق زن- دانمارک
سوسن تامپیه ری	نویسنده، مدافع حقوق زن، آرژانتین
فرانسس رادای	مدیر انجمن برای آزادی علم، مذهب و فرهنگ، استاد دانشگاه اورشلیم، اسرائیل
سابینه سامون	رئیس سازمان همبستگی زنان، فرانسه
بث سیه سیلسکی	فعال سکولاریست و مدافع حقوق زن- رومانی
نینا سانکاری	معاون سازمان سکولار راسیونالیست، عضو کمیته هماهنگ کننده ابتکار فمینیستی- لهستان
لیزا سروش	فعال حقوق زن، افغانستان
کارولین فورس	سازمان اندیشه آزاد، نویسنده و ژورنالیست سکولار، مدافع حقوق زن- فرانسه
پروین کابلی	مسئول سازمان میخک سفید
آذر ماجدی	رئیس سازمان آزادی زن
کریم نوری	شبکه مردان علیه خشونت ناموسی- سوئد
لیلا نافع همارنه	مدیر پروژه در سازمان زنان عرب، اردن
خانم لطیف	مدیر مرکز زنان آسودا، سلیمانیه، کردستان عراق
لیلیان هالس-فرنچ	رئیس ابتکار فمینیستی اروپا- فرانسه
ماریا هاگبری	هماهنگ کننده کمپین بین المللی علیه خشونت ناموسی -سوئد
مریم کوشا	گرداننده و مدراتور- سردبیر نشریه انگلیسی زبان سازمان آزادی زن
بوتینا کاتان خوری،	فیلم ساز از فلسطین که برای نمایش یکی از فیلم هایش به کنفرانس میاید.

از علاقمندان شرکت در کنفرانس خواهشمندیم که با ما تماس بگیرند. اطلاعات دقیقتر در آینده از طریق نشریه آزادی زن و وب سایت سازمان به اطلاع عموم خواهد رسید.

سازمان آزادی زن

www.azadizan.net Majedi.azar@gmail.com +44 (0)7886973423 wlmedusahuset@gmail.com

+46(0)737262622 www.womensliberation.net/

ستون آخر

طبقه کارگر فرانسه در صف اول

سیاوش دانشور



فرانسه کشور شگفتی هاست؛ کشور انقلاب کبیر، کشور کمون اولین انقلاب کارگری جهان، کشور جنبش عمل مستقیم کارگری، کشور مه ۶۸ و اعتصابات پرشور سالهای اخیر.

ما همواره تاکید کرده ایم که چشمها در اروپا به فرانسه و ایتالیا و یونان دوخته شده است. سنتهای انقلابی و رادیکال و سوسیالیستی قوی در این کشورها همواره زیانزد بوده است. در چند ماه اخیر که موجهای بحران اقتصادی دنیا را درنوردید، ایتالیا و یونان پیشرو اعتراض علیه سیاست شکستن بار بحران روی دوش طبقه کارگر بودند. بدنبال شگفتی یونان نوبت طبقه کارگر فرانسه است. و فردا ۲۹ ژانویه فرانسه وارد اولین اعتصاب عمومی دور جدید جدال با بورژوازی میشود. هشت اتحادیه و فدراسیون و سازمان بزرگ کارگری طی بیانیه ای کلیه کارگران و حقوق بگیران و کارکنان بخشهای دولتی و خصوصی و بیکاران و بازنشستگان را به اعتصاب عمومی دراینروز فراخوانده اند. فردا خیابانهای شهرهای فرانسه موج اعتراض و امید و نه به سرمایه داری موج خواهد زد.

طبقه کارگر فرانسه پیشاپیش طبقه کارگر اروپا در مقابل با بورژوازی سنگربندی میکند و این حرکت که بدون تردید با استقبال وسیعی مواجه میشود اولین تلاش دنیای جدید است. اساس این اعتصاب و اعتراض اینست که بورژوازی فرانسه میخواهد بار بحران اقتصادی را روی دوش نحیف طبقه کارگر بشکند و کارگران در مقابل از افزایش دستمزدها، رفاه اقتصادی و اجتماعی، امنیت شغلی و بهبود شرایط کار سخن میگویند. این آغازی محکم از جانب طبقه کارگر

است. و چرا که نه؟ در جایی که مارکس اعتبارش را بر فرق هر ایدئولوگ بورژوا و برجها و کاخهای سرمایه میکوبد، در جایی که آلترناتیو سوسیالیستی و نقد مارکسی نظام موجود دوباره اذهان را متوجه خود میکند، اعتراض کارگری معنی دیگری دارد. کارگر در چنین شرایطی احساس قدرت میکند و جنبش و سنت رادیکال کارگری با نقد مارکس از نظام موجود چفت میشود.

تردیدی نیست اتحادیه های کارگری فرانسه که در دور قبل و در جریان اعتراض وسیع علیه قانون استخدام اول دنباله رو اعتراضات رادیکال و شورائی شدند، تلاش میکنند پتانسیل اعتراض طبقه کارگر را در چهارچوبهای تریدونیونیسیم و جناح های مرکز طبقه حاکمه مهار کنند و قالب بزنند. تردیدی نیست "رادیکال" ترین سیاستهای این اتحادیه ها تلاش میکند طبقه کارگر را نیروی احزابی مانند حزب سوسیالیست فرانسه در تقابلهای پارلمانی در مقابل امثال سارکوزی و شیراک و لوپن کند. همان دور باطلی که دهه های متمادی تکرار شده است. مسئله اینست وقتی طبقه کارگر بیرون می آید، وقتی کارگران قدرت خود را با اعتصاب و اعتراض بنمایش میگذارند، نه فقط سرها مجددا به اعتراض و قدرت عظیم کارگر برمیگردد، بلکه سنت رادیکال و عمل مستقیم کارگری که در فرانسه از هر جای جهان قویتر است امکان تحرک وسیعتری می یابد.

باید به استقبال مصافهای طبقه کارگر و اعتراضات کارگری در فرانسه رفت و امیدوار بود که جریان رادیکال کارگری بتواند در دوره ای در راس اعتراضات قرار

بگیرد و پلانفرم و حزب مستقل طبقاتی و کمونیستی کارگری خود را شکل دهد. همه میدانند که چند سال پیش چگونه این نیرو پوزه بورژوازی را به خاک مالید و طرحش را باطل کرد. امروز شرایط بسیار مهیاتر و تجارب بسیار عمیقتر و بورژوازی بسیار ناتوان تر و درهم ریخته تراست. نه طبقه حاکم میتواند بقای سرمایه و پاسخ به بحران را بدون به فقر کشاندن طبقه کارگر فیصله دهد و نه طبقه کارگر میتواند برای افسار زدن به توحش بورژوازی در توهم تغییرات پارلمانی و وعده ها بنشیند. اتحادیه های کارگری اگر در این جدال سیاست سنتی را دنبال کنند اولین قربانیان موج وسیع اعتراض کارگران و نسل جدیداند. سنت عمل مستقیم و شورائی طبقه کارگر در فرانسه چهارچوبی است که کمونیسم کارگری میتواند در فرانسه به سیاست و تحزب و آینده به نفع آزادی کل جامعه شکل دهد.

ما همراه با طبقه کارگر جهانی با اشتیاق وافر اعتراض طبقه کارگر فرانسه را دنبال میکنیم. از اعتصاب عمومی و موج پرخروش کارگران حمایت میکنیم و نیرو میگیریم. طبقه کارگر ایران و هر جای جهان این حرکت را سرمشق خود قرار خواهند داد و از تجارب آن خواهند آموخت.

زنده باد طبقه کارگر فرانسه!

زنده باد انترناسیونالیسم کارگری!

زنده باد انقلاب کارگری!

**به حزب اتحاد
کمونیسم کارگری
کمک مالی کنید!**

آدرس تماس
با مسئولین
حزب اتحاد کمونیسم کارگری

علی جوادی

(دبیر کمیته مرکزی)

Ali_Javadi@yahoo.com

Tel: +1 310 402 6567

هیات دایر دفتر سیاسی

(علی جوادی، سیاوش دانشور،

آذر ماجدی)

AzarMajedi@yahoo.com

siavash_d@yahoo.com

کمیته سازمانده

(علی جوادی، نسرين

رمضانعلی)

nasrin_ramzanali@yahoo.com

o.com

مسئول خارج کشور

(آذر ماجدی)

AzarMajedi@yahoo.com

مسئول سایت و آی تی حزب

(مجید پستچی)

x_magid@yahoo.com

دبیرخانه

(شراره نوری)

markazi.wupi@gmail.com

به حزب اتحاد

کمونیسم کارگری کمک کنید!

Bank : Wells Fargo Bank
- N. America

Routing Number :

121 000 248

Account Number:

36 48 46 88 52

زنده باد جمهوری سوسیالیستی!

سرنگون باد جمهوری اسلامی!